فصل‌نامه مطالعات مالی و بانکداری اسلامی
مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران
دوره ۶، شماره ۱۵
پاییز و زمستان، ۱۳۹۹
۱۴۸-۱۲۱

تحلیل نقش بانکداری اجتماعی در کاهش تضاد مالی بین بانک‌ها و بنگاه‌های تولیدی (نمونه‌کاوی: بانک قرض‌الحسنه رسالت)

محمد امیری [۱]
رضا رادفر* [۲]
فرشاد فائزی رازی [۳]

چکیده

اعتبارات بانکی باید برای حمایت از تولید و اقشار آسیب‌پذیر و به‌شکل وام‌های کوچک در مشاغل خُرد و خانگی اعطا شود؛ اما بیشتر منابع مؤسسه‌های مالی برای بخش‌های بدون اولویت صرف می‌شود. از سویی، بانک‌ها می‌خواهند با ارائه خدمات در بستر بانکداری اجتماعی به ایفای تعهدهای اجتماعی خود بپردازند و از سوی دیگر، سود خود را بیشینه کنند و به همین دلیل با مأموریت دوگانه و تضاد مالی با بنگاه‌های تولیدی خُرد مواجه شده‌اند و باید برای حل این تضاد چاره‌ای بیندیشند. از این رو، در این مقاله ضمن مرور نظام‌مند پژوهش‌های انجام‌شده و مصاحبه عمیق با خبرگان، نقش بانکداری اجتماعی در کاهش تضاد منافع مالی بین بانک‌ها و بنگاه‌های تولیدی تحلیل شده است. نتایج پژوهش نشان داد که با حرکت بانک به‌سمت بانکداری اجتماعی و ایفای مسئولیت‌های اجتماعی، تضاد منافع مالی بین بانک و بنگاه‌های تولیدی از طریق تأمین منافع مالی بانک‌ها، تأمین منافع مالی بنگاه‌ها و به‌تبع آن، تأمین منافع بلندمدت تمام مشتریان، کاهش خواهد یافت.

واژه‌های کلیدی: بانکداری اجتماعی، تضاد منافع مالی، بنگاه‌های تولیدی

طبقه‌بندی JEL: B۵۵، B۲۲ و B۵۸.

---

۱. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران amiri_m1360@yahoo.com
۲. استاد، گروه مدیریت تکنولوژی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ r.radfar@srbiau.ac.ir
۳. دانشیار، گروه مدیریت صنعتی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران؛ f.faezi@semnaniau.ac.ir

مقدمه

در اقتصاد ایران، همواره مشکل محدودیت نقدینگی بنگاه‌ها، یکی از عوامل بازدارنده رشد و توسعه اقتصادی کشور شناخته شده است، به‌نحوی که بنگاه‌ها تقاضای تسهیل دسترسی به تسهیلات بانکی و کاهش هزینه مالی این تسهیلات را دارند و از سوی دیگر، بانک‌ها به هدایت منابع خود به‌سمت بنگاه‌های تولیدی علاقه‌ای ندارند. این موضوع گویای آن است که به‌دلیل نرخ تورم بسیار زیاد و سودده بودن خرید زمین، طلا و ارز، بانک‌ها سرمایه‌های پس‌اندازشده را به‌جای انتقال به بخش تولیدی، به بخش‌های غیرمولد هدایت‌کرده و به رکود بخش‌های تولیدی دامن می‌زنند (کروتی[1]، ۲۰۰۸). ناتوانی بنگاه‌ها در بازپرداخت تسهیلات، به اضافهٔ عوامل دیگر، این وضعیت را تشدید کرده است (رحمانی و فلاحی، ۱۳۹۶). دلیل این ادعا را نیز می‌توان در آمارهای منتشرشده بانک مرکزی بر اساس شکل و جدول ۱ مشاهده کرد.

جدول ۱. نسبت نقدینگی به تولید (ارقام به میلیارد تومان/ منبع: بانک مرکزی[2])

دوره	تولید ناخالص داخلی	نقدینگی	نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی (درصد)
۱۳۹۰	۶۸۶٫۸۲۸	۳۵۷٫۰۷۰	۵۱٫۹
۱۳۹۱	۷۸۴٫۲۰۰	۴۶۰٫۶۹۳	۵۸٫۷
۱۳۹۲	۱٫۰۵۴٫۹۴۵	۶۳۹٫۵۵۰	۶۰٫۶
۱۳۹۳	۱٫۲۰۰٫۴۹۹	۷۸۲٫۳۹۰	۶۵٫۱
۱۳۹۴	۱٫۱۷۹٫۵۰۳	۱٫۰۱۷٫۲۸۰	۸۶٫۲
۱۳۹۵	۱٫۳۹۲٫۹۶۹	۱٫۲۵۳٫۳۹۰	۸۹٫۹
۱۳۹۶	۱٫۶۱۸٫۷۹۰	۱٫۵۲۹٫۹۸۰	۹۴٫۵
۱۳۹۷	۲٫۰۸۰٫۸۲۶	۱٫۸۸۲٫۸۹۰	۹۰٫۴
۱۳۹۸	۲٫۶۷۳٫۵۲۴	۲٫۴۷۲٫۱۵۰	۹۲٫۴
۱۳۹۹	۳٫۸۴۲٫۰۸۶	۳٫۴۷۶٫۱۷۰	۹۰٫۴

1. Crotty
2. https://www.cbi.ir

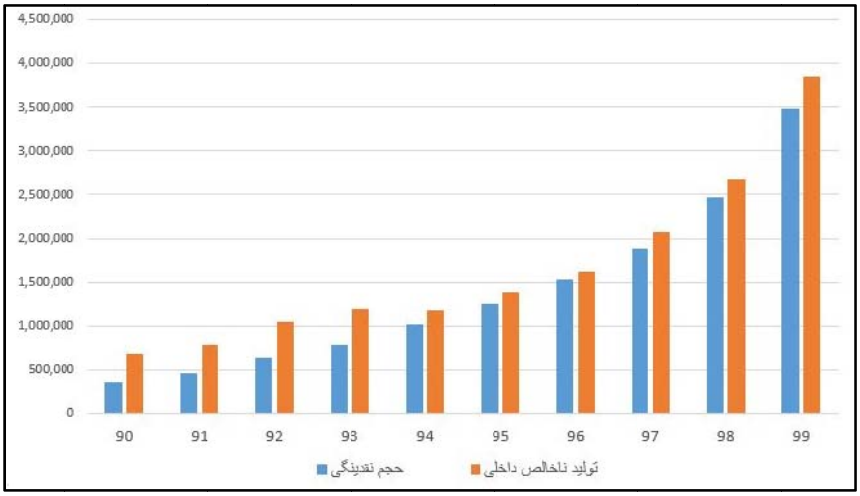

شکل ۱. مقایسه نقدینگی به تولید (منبع: بانک مرکزی)

همان‌طور که در جدول و شکل ۱ مشخص است، با وجود رشد سرسام‌آور نقدینگی در کشور، شاهد اثرگذاری غیرمؤثر نقدینگی خلق‌شده روی متغیرهای اقتصادی نظیر رشد اقتصادی و تولید بوده‌ایم. در واقع، به‌علت ساختار اقتصادی کشور، بازدهی فعالیت‌های غیرتولیدی در کوتاه‌مدت از فعالیت‌های تولیدی بیشتر است که این تفاوت بازدهی در بخش سوداگری و مسکن به اوج خود می‌رسد و انگیزه ورود به تولید را برای سرمایه‌گذاری کاهش می‌دهد (آرانی و حیدری، ۱۳۹۴). بررسی‌های شرکت مالی بین‌المللی[1] نشان می‌دهد که حدود نصف تا دو سوم از بنگاه‌های کوچک و متوسط در بخش رسمی اقتصاد، از کمبود دسترسی به منابع مالی آسیب می‌بینند (استین، آردیک و هومز[2]، ۲۰۱۳). شرایط نامناسب اقتصاد کلان در کنار ریسک بالای قرض‌گیرندگان، سبب افزایش هزینه تأمین مالی و فراهم آمدن محیطی چالش‌برانگیز برای بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌شود (وینگر[3]، ۲۰۱۴).

1. International Finance Corporation (IFC)
2. Stein, Ardic & Hommes
3. Wehinger

دولت‌ها از بانک‌ها خواسته‌اند تا برای اقشار آسیب‌پذیر جامعه، طرح‌های ویژه‌ای برای اعتباردهی با نرخ‌های پایین راه‌اندازی کنند؛ اما این طرح‌ها نتوانسته به‌طور مطلوبی مشکلات این قشر از جامعه را مرتفع کنند.

با این شرایط، بانک‌ها از طرفی باید به‌دنبال ایفای تعهدهای اجتماعی به‌صورت بانکداری اجتماعی به‌عنوان ابزاری برای تضمین اخلاقی باشند و از طرف دیگر، به‌دنبال بیشینه‌کردن سودی باشند که ممکن است به افزایش فاصله طبقاتی در جامعه منجر شود و به این ترتیب، در یک مأموریت دوگانه و تضاد مالی با بنگاه‌های تولیدی خُرد قرار گرفته‌اند (اسمیت[1]، ۲۰۱۸) که باید برای آن چاره‌ای اندیشید.

در این پژوهش به‌طور متمرکز، شناخت راه‌های کاهش تضاد مالی بین بانک و بنگاه‌های تولیدی خُرد و کارکردهای بانکداری اجتماعی در حل تعارض موجود بررسی شده است. در واقع، پژوهش حاضر به‌دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. تضاد مالی بین بانک و بنگاه‌های تولیدی خُرد کدام است؟
۲. بانکداری اجتماعی چگونه می‌تواند تضاد مالی بین بانک و بنگاه‌های تولیدی را کاهش دهد؟

در این مقاله، ضمن مرور نظام‌مند پژوهش‌های انجام‌شده و با مصاحبه عمیق با خبرگان، نظرسنجی و اسناد آرشیوی، متغیرهای پژوهش شناسایی شدند. سپس با استفاده از تکنیک دلفی فازی، متغیر اصلی تعیین و مدل اولیه ارائه شد. دلیل انتخاب روش دلفی فازی، توجه به هر یک از نظرها و یکپارچه کردن آنها برای دستیابی به توافق گروهی است که مراحل اجرایی این روش، ترکیبی از روش دلفی سنتی و تحلیل داده‌های هر مرحله با استفاده از تعاریف نظریه مجموعه‌های فازی است. برای ارزیابی مدل، پرسش‌نامه‌ای طراحی شد و ۱۲۰ نفر از مدیران اجرایی بانک قرض‌الحسنه رسالت آن را ارزیابی کردند. دلیل انتخاب بانک قرض‌الحسنه رسالت به‌عنوان نمونه، پیشتاز بودن این بانک در بانکداری اجتماعی و ارائه تسهیلات خُرد ۱۰۰درصدی است تا حدی که بیش از ۵۰ درصد وام‌های پرداختی بانک رسالت به مشاغل خُرد و خانگی اختصاص یافته است (بانک قرض‌الحسنه رسالت[2]، ۱۴۰۰). برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی

1. Smith
2. https://www.rqbank.ir/

استفاده شد و کلیه عوامل در سه دسته قرار گرفتند. در ادامه، با استفاده از تکنیک تحلیل شکاف، شکاف موجود در وضعیت موجود و وضعیت ایدئال انجام شد.

مبانی نظری پژوهش

تضاد منافع مالی بین بانک‌ها و بنگاه‌ها

تعارض منافع بخش تولید با بخش بانکی در ایران مانند بسیاری از کشورهای دنیا نمایان است. گاه بخش‌های تولیدی با ارائه اطلاعات اشتباه، وام‌های اخذشده از بانک‌ها را به فعالیت‌های سوداگری سوق می‌دهند و بانک‌ها نیز به روش‌های گوناگون از ارائه خدمات مالی با بهره‌های مناسب به بخش‌های مولد خودداری می‌کنند. کمبود منابع مالی، نرخ سود بالای تسهیلات، طولانی بودن فرایند اخذ وام، وثیقه‌های سنگین، کوتاه بودن مدت بازپرداخت و... باعث نارضایتی بخش‌های تولیدی شده است (میدری، ۱۳۹۲). از طرف دیگر، هر نوع توزیع تسهیلات که بر مبنای حداکثرسازی سود منافع بانک‌ها انجام می‌شود، به‌طور لزوم به حداکثرسازی منافع جمعی منجر نمی‌شود و می‌تواند برای کلیت جامعه تبعات منفی داشته باشد. این موضوع برای اقتصادهایی که ساختارهای تولیدی قوی‌ای ندارند و بخش واسطه‌گری و دلالی به‌عنوان رقیب جدی تولید عمل می‌کند، موضوعیت بیشتری دارد. در این اقتصادها بخش خدمات به‌جای اینکه تکمیل‌کننده فرایند تولید و مصرف باشد، محدودکننده بخش تولیدی است. در این شرایط، نحوه تخصیص منابع بین بخش تولیدی و غیرتولیدی اهمیت می‌یابد، از این رو کارکرد بانک‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که علاوه بر تمرکز بر سودآوری، بر تأمین منافع عمومی و مسئولیت‌های اجتماعی نیز تمرکز داشته باشند (طاهر پور و همکاران، ۱۳۹۷).

در چند سال اخیر شاهد سیاست‌های حمایتی دولت‌ها از تولید در ایران بوده‌ایم؛ اما از آنجا که بیشتر این مشکلات به تضاد منافع مالی بخش بانکی با بخش‌های تولیدی و همچنین نبود سازوکارهایی برای گره‌زدن منافع این دو بخش برمی‌گردد، این سیاست‌های موقتی نتوانسته‌اند راه به جایی ببرند. تضاد منافع مالی در این دو بخش به‌نحوی است که تلاش بانک برای حداکثرسازی سود خود هیچ ارتباطی با تلاش تولید برای حداکثرسازی منافع خود ندارد. حتی در عقود مشارکتی که اساساً منافع هر دو بخش مشترک است، اشتراک منافع در نظام بانکی اتفاق نمی‌افتد؛ زیرا مشارکت به‌نحو صوری انجام می‌گیرد. از طرف دیگر، بانک‌ها به‌دلیل پایبند نبودن به مسئولیت‌های اجتماعی خود در کشور، فاصله بین بخش بانکی با بخش تولیدی کشور را بیشتر کرده‌اند؛ این در حالی است که باید سازوکاری شکل بگیرد که منافع بانک به منافع تولید بپیوندد و بانک ضمن پایبندی واقعی

به مسئولیت‌های اجتماعی خود، شریک سرمایه‌گذار در تولید باشد، وگرنه در بلندمدت، تمامی بخش‌های اقتصاد ایران از جمله نظام بانکی در وضعیت بحرانی قرار خواهد گرفت (بورتیس[1]، ۲۰۰۹).

بانکداری اجتماعی

بانک از دسته مؤسسه‌های مالی بسیار گسترده، قدیمی و فعال است که در جمع‌آوری و توزیع مطلوب منابع مالی نقش انکارناپذیری برعهده دارد. در این میان، نقش وکارکرد بانک‌های اجتماعی نیز بی‌تأثیر نبوده است و به‌تدریج، پس از شکل‌گیری انواع بانک، این مدل بانکی نیز به وجود آمده است. در شکل ۲ چگونگی شکل‌گیری بانک اجتماعی ترسیم شده است.

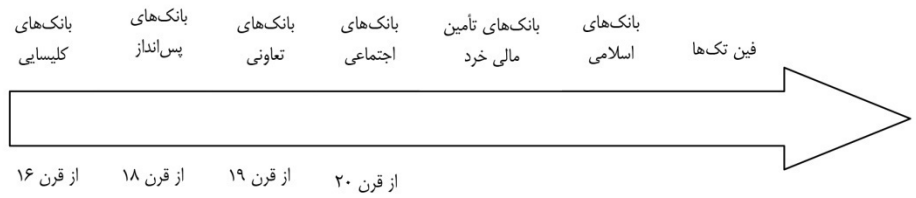

شکل ۲. چگونگی شکل‌گیری بانک اجتماعی
منبع: مرادی، شیخی و خادمیان (۱۳۹۸)

همان‌طور که مشخص است، زمان پیدایش این مدل بانکداری در قرن بیستم است که پس از شکل‌گیری بانک‌های سنتی مرسوم در قرن گذشته به وجود آمدند.

بانکداری اجتماعی برای توصیف بانکداری پایدار به‌کار می‌رود و با ارائه خدمات مالی به افراد و سازمان‌ها، به ایجاد منافع اجتماعی، زیست‌محیطی و پایداری اقتصادی کمک می‌کند. بانکداری اجتماعی، نوعی ابزار مالی برای ترویج توسعه پایدار در زندگی فردی شهروندان و است و به‌عنوان یک کل عمل می‌کند (نوافر[2]، ۲۰۱۸).

در واقع، بانکداری اجتماعی چرخدنده ضروری کشورهای در حال توسعه برای توسعه پایدار اقتصادی محسوب می‌شود، به‌ویژه در ایران که بخش اعظم مردم درآمد زیر متوسط دارند. طی

1. Bortis
2. Nwafor

مصوبات اخیر، دولت‌ها از بانک‌ها خواسته‌اند تا طرح‌های ویژه‌ای برای اعتباردهی با نرخ‌های پایین برای اقشار آسیب‌پذیر جامعه راه‌اندازی کنند (تورات و همکاران[1]، ۲۰۱۷)؛ اما این طرح‌ها نتوانسته‌اند به‌طور مطلوبی مشکلات این قشر از جامعه را حل کنند.

به‌طور کلی، بخش‌های اولویت‌دار در اقتصاد ایران، صاحبان مشاغل خُرد هستند که با مشکل کمبود نقدینگی و عدم تخصیص اعتبار به‌موقع و کافی مواجهند. برای حمایت از تولید و معیشت مردم، اعتبارات بانکی باید به شکل وام‌های کوچک در اختیار مشاغل خُرد و شرکت‌های کوچک و سایر بخش‌های ضعیف جامعه قرار گیرد؛ اما شاهد آن هستیم که بخش‌های بدون اولویت، بیشتر منابع مؤسسه‌های مالی را که همیشه آماده دریافت تقاضای وام هستند و در مقایسه با بخش‌های اولویت‌دار، نرخ‌های بهره بیشتری پرداخت می‌کنند، مصرف می‌کنند؛ زیرا بانک‌ها برای کسب بازدهی بیشتر، علاقه‌مندند که وام‌های کلان با نرخ‌های بیشتر پرداخت کنند. بنابراین ممکن است بانک‌ها با اتخاذ این سیاست، به بازیگران کلیدی عدم کاهش فقر و عدم بهبود کیفیت زندگی در ایران تبدیل شوند (سرینیواسان و تامپی[2]، ۲۰۱۷).

پیشینه پژوهش‌های داخلی

رضایی، اقدسی و سعیدی (۱۴۰۰) در پژوهش خود با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و روش خوشه‌بندی مشخص کردند که کدام فعالیت بانک ذیل کدام بخش بانکداری اجتماعی قرار می‌گیرند. طی مسیر پژوهش، پژوهشگران به نتایج جانبی دیگری دست یافتند. برای مثال، بررسی تجارب موفق جهانی در این حوزه نشان داد که مانند هر تغییر سازمانی دیگری، بانکداری اجتماعی نیز به هماهنگی بین سطوح مختلف زنجیره ارزش شامل استراتژی، عملیات، محصولات، مشتریان و کانال‌ها نیاز دارد. مشاهدات نویسندگان از صنعت بانکی کشور و تجارب شکست حوزه بانکداری اجتماعی، این فرضیه را تقویت کرده است که به احتمال زیاد متخصصان بانک‌هایی که با شکست مواجه شده‌اند، از اثرهای بانکداری اجتماعی به‌عنوان تغییر سازمانی در تمام سطوح زنجیره ارزش بانک شناخت یکپارچه‌ای نداشته‌اند و این موضوع به اقدامات ناهماهنگ منتج شده است. بنابراین، بانک‌هایی که به‌دنبال اجتماعی شدن هستند، می‌توانند با استفاده از چارچوب ارائه‌شده در این مقاله، برای تغییری که نیاز است، اقدامات یکپارچه‌ای شناسایی و تعریف کنند.

1. Thorat
2. Srinivasan & Thampy

فتحیان و نصیرزاده (۱۳۹۸) با روش تحلیل عاملی اکتشافی مشتریان بانک‌ها را از نظر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، ابعاد نگرشی و رفتار مالی مقایسه کردند و دریافتند که مشتریان بانک‌ها با یکدیگر تفاوت‌های شایان توجهی دارند. مدیران باید از طریق اعمال راه‌کارهای متناسب با نیازهای خاص هر گروه، تصمیم‌های آتی را طوری اتخاذ کنند که ارتباط با مشتری به‌نحو مؤثری انجام شود.

مرادی و همکاران (۱۳۹۸) با بهره‌گیری از رویکرد تفسیرگرایی، سعی کردند ضمن تعریف مفهوم بانک توسعه اجتماعی و تفاوت آن با بانک‌های تجاری مرسوم، ناکارآمدی بانک‌های تجاری در تأمین سپرده‌های بانکی و همچنین عدم توزیع متوازن و تخصیص منابع تسهیلاتی را نشان دهند. در پایان نیز، برای مبدل شدن به یک بانک توسعه اجتماعی، انواع مدل رایج در سطح جهانی و متناسب با ساختار اقتصادی کشور را معرفی کردند.

رجبی و جعفری طادی (۱۳۹۶)، نشان دادند که توسعه مالی در بلندمدت رشد اقتصادی را به همراه دارد؛ در حالی که در کوتاه‌مدت، به‌دنبال آزادسازی مالی امکان بروز شکنندگی مالی وجود دارد. شکنندگی مالی باعث می‌شود که بانک در تخصیص کارایی منابع موفق نباشد و این مشکل، کاهش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را به همراه دارد. در واقع با بروز شکنندگی مالی، امکان بروز هراس بانکی و ورشکستگی بانک‌ها وجود دارد که خود از آزادسازی مالی و رشد انفجاری اعتبارات نشئت می‌گیرد.

پیشینهٔ پژوهش‌های خارجی

در حوزه بانکداری اجتماعی و کارکردهای آن، پژوهش‌های زیادی انجام شده است که به چند نمونه از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود.

سسینارو، کالاندرا، پتریسین و چمت[1] (۲۰۲۱) با استفاده از تحلیل کتاب‌سنجی، نتایج پژوهش‌های مختلف را در این زمینه بررسی کرد و از مطالعه مجلات، کتاب‌ها و... در جریان پژوهشی بانکداری اجتماعی به بینش‌های متعددی دست یافت و آنها را در پنج خوشه نظری و عملی دسته‌بندی کرد: رفاه مردم همراه با نوآوری‌های تکنولوژیکی، حکومت، سرمایه‌گذاری اخلاقی و توسعه پایدار، مسئولیت اجتماعی شرکتی و شفافیت.

1. Secinaro, Calandra, Petricean & Chmet

مارتینز، کامپیلو، ویجسری و وانک[1] (۲۰۲۰) پس از انجام پژوهشی با روش DEA مبتنی بر شبکه، بیان کردند که بانک‌های اجتماعی خدمات اصلی بانکی را به بخش‌های بدون اولویت ارائه می‌کنند؛ در حالی که آنها ملزم‌اند بخش‌های ضعیف‌تر جامعه را که از سیستم مالی سنتی (بخش‌های اولویت‌دار) حذف شده‌اند، از لحاظ مالی تأمین کنند. برای اینکه بانک‌های اجتماعی مدیریت اخلاقی ـ اجتماعی مأموریت دوگانه خود را ارتقا دهند و در محیط کسب‌وکار امروز موفق عمل کنند، باید در هر دو بُعد فعالیت بانکی خود تا حد امکان کارآمد باشند. نتایج نشان می‌دهد که بانک‌های اجتماعی در کارایی اجتماعی و مالی به‌نسبت خوب عمل کرده‌اند، اگرچه کارایی اجتماعی اندکی بیشتر از کارایی مالی بوده است. افزون بر این، تعهد آنها به اعطای وام به بخش اولویت‌دار با اهداف سودجویانه خدمات بانکداری اصلی در تضاد نیست. با توجه به عوامل تعیین‌کننده شناسایی شده، کارایی اجتماعی و مالی، ثروت منطقه‌ای، اندازه بانک، شبکه‌های شعب و موقعیت روستایی، نیروهای متقابلی دارند.

کاروس و باتنفلد[2] (۲۰۱۹) به‌کمک مدل‌سازی رگرسیونی لجستیک و ایجاد نخستین بینش در خصوص بازار بانکداری اجتماعی آلمان، به بررسی این شکاف پژوهشی پرداختند. مدل‌سازی پژوهش نشان می‌دهد که مشتریان بانک‌های اجتماعی به‌طور شایان توجهی با همتایان متعارف خود از نظر چندین عامل اجتماعی ـ دموگرافیک، رفتاری و روان‌شناختی متفاوت‌اند. در مقایسه با مشتریان بانکداری مرسوم، مشتریان بانکداری اجتماعی جوان‌ترند، تحصیلات بیشتری دارند و در مکان‌های بزرگ‌تری زندگی می‌کنند.

حمیدی و ورگینتون[3] (۲۰۱۸) به‌طور انتقادی رویه جاری در بانکداری اسلامی و هرگونه انحراف از اصول اصلی اسلامی را بررسی کردند. آنها معتقدند این رویه می‌تواند به شکست اجتماعی آشکار بانک اسلامی و شکست در بهبود توسعه اقتصادی مردم عادی منجر شود. آنها نتیجه گرفتند که بانکداری اسلامی و بانکداری اجتماعی اصول مشابهی (سود، سیاره و افراد) را در عملیات خود به اشتراک می‌گذارند. پژوهشگران این اصول را به متغیر دیگری (برای پیامبر) تعمیم دادند تا افکار و راهنمایی‌های اسلام را به‌عنوان راهنمای اخلاقی برای بانکداری اسلامی اجتماعی و توسعه چارچوب پوشش دهند. آنها در انتهای مقالهٔ خود رویکردی برای ارزیابی نتایج اجتماعی بانک اسلامی اجتماعی و برخی از شیوه‌های خوب بانکداری اسلامی پیشنهاد دادند.

1. Martínez-Campillo, Wijesiri & Wanke
2. Krause & Battenfeld
3. Hamidi & Worthington

به بیان نوافر (۲۰۱۸)، بـر اسـاس وضـعیت اقتصـادی کشـورهای در حـال توسـعه، نمـی‌تـوانیم بانک‌های اجتماعی را جایگزین کاملی برای بانک‌های معمولی بدانیم؛ اما می‌توانیم بـا قـدرت تأکیـد کنیم که یکپارچه‌سازی صحیح روش‌های بانکداری اجتماعی برای بانک‌های متعارف نیز مفید است و به تثبیت بانک‌ها کمک می‌کند. استفاده از سیستم مالی کلی به بانک کمک می‌کند تا سطح موفقیت خود را تثبیت کند و از تحقق مستمر مزایای بانکداری پایدار اطمینان حاصل کند. با این حـال، بـرای اینکه بانک‌ها حداکثر تأثیر مثبت را بر توسعه پایدار کشور تجربه کنند، باید اصول بانکداری پایـدار را در ارزش‌های اصلی خود بگنجانند و آنها را در قلب تجارت خود نگه دارند. این موضوع زمانی مشهود خواهد بود که استراتژی بانکداری پایدار آنها حاشیه‌ای نباشد، بلکه به‌شدت در استراتژی کسـب‌وکـار کلی آنها ادغام شده باشد.

پرز[1] (۲۰۱۷) با استفاده از دو روش ساخت شاخص و تحلیل محتوا ، ضمن تعریـف ویژگـی‌هـای مشترک همه بانک‌های وابسته به جنبش اجتماعی، سطح تعهد آنها را با همان مقدار به‌طـور تجربـی تعیین کرد. به گفته وی، این کمی‌سازی رتبه‌ای به دست می‌آورد که بانک‌های منتخب را با توجه به امتیازهای کسب‌شده طبقه‌بندی می‌کند. با توجه به روش استفاده‌شده، کمی‌سـازی میـزان تعهـد بـه بانکداری اخلاقی از طریق شاخص جدیدی به نام SEBI (شـاخص بانکـداری اجتمـاعی و اخلاقـی) انجام می‌شود. متغیرهای این شاخص‌هـا عبـارت بودنـد از: شـفافیت، ارزیـابی اخلاقـی و اجتمـاعی، پروژه‌های سرمایه‌گذاری و دیدگاه سود سه‌گانه، دولت فراگیر و ساختار مشارکتی، انسانی، پایـداری و تلاش برای افزایش آگاهی.

میتیک و راکیک[2] (۲۰۱۷) به نظام‌بندی و ارائه بینشی در خصوص محصـولات و خـدمات مـالی پرداختند که برای بهبود محیط اجتماعی طراحی شده‌انـد. دسـته‌بنـدی‌هـای اصـلی پیشـنهادی آنهـا عبارت‌اند از: خُرده‌فروشی و کارآفرینی خُرد، بانکداری شرکتی و سـرمایه‌گـذاری، مـدیریت دارایـی و بیمه. بسیاری از این محصولات و خدمات هنوز در مرحله آزمایش هستند؛ اما نیاز روزافزون به تأمین مالی اجتماعی و بانکداری مشهود است. افزون بر این، تأثیر افکار عمومی بر مؤسسـه‌هـای مـالی بـه سازگاری آنها کمک می‌کند.

وبر[3] (۲۰۱۴) نتیجه گرفت که مزایای زیست‌محیطی یا پایداری با توجه بـه اتحـاد جهـانی بـرای بانکداری اجتماعی و بانکداری ارزش‌ها از رویکردی سه‌گانه (سیاره، مرد و سود) تبعیت می‌کند.

1. Pérez
2. Mitić & Rakić
3. Weber

مقاله بندیکتر[1] (۲۰۱۱) از سه بخش تشکیل شده است: بانک‌های اجتماعی طی بحران اقتصادی ۲۰۰۷ تا۲۰۱۰ یکی از مؤسسه‌های موفق مالی در سراسر جهان بوده‌اند و توسط آن تقویت شده‌اند. بنابراین، بخش نخست مقاله، به تحلیل کوتاهی از این بحران از دیدگاه بانکداری اجتماعی و مالیه اجتماعی اختصاص داده شده است. در بخش دوم مقاله، ایده‌ها و روش‌های اصلی بانکداری اجتماعی، به‌عنوان رویکردهای جدید به پول و امور مالی توصیف شده است. وی معتقد است که این رویکرد قادر است با جهت‌دهی مجدد به سیستم مالی، از بحران‌های بیشتر جلوگیری کند. در بخش سوم مقاله، وی این دیدگاه را ترسیم می‌کند که بهترین عمل برای بانکداری اجتماعی و تأمین مالی اجتماعی، به‌عنوان بخش‌های جدایی‌ناپذیر جامعه مدنی جهانی در حال رشد و جنبش بین‌المللی گسترده‌تر به‌سمت پایداری، همکاری با جریان اصلی بانکداری و صنعت مالی است.

به گفته وبر (۲۰۱۰)، بانک‌ها محصولات و خدماتی را ارائه می‌دهند که ریسک‌ها و گزینه‌های پایداری را به‌منظور ایجاد تأثیر مالی مثبت ادغام می‌کنند. این محصولات و خدمات توسط هر دو بانک اجتماعی و متعارف ارائه می‌شود. محرک‌های اصلی آنها بازده مالی و نیازهای مشتریان است. از سوی دیگر، محصولات و خدمات دیگری با هدف رسیدن به تأثیر مثبت اجتماعی، زیست‌محیطی یا پایداری وجود دارد که ارائهٔ این خدمات بیشتر در بانک‌های تخصصی اجتماعی یا اخلاقی دیده می‌شود. محرک اصلی آنها برآوردن نیازهای اجتماعی، زیست‌محیطی یا پایداری از طریق هدایت سرمایه به پروژه‌های مربوطه است. بنابراین محصولات و خدمات را می‌توان بر اساس تأثیر مالی و اجتماعی آنها نظم داد. در حالی که مدیریت اعتبار پایدار، به‌طور عمده شاخص‌های اجتماعی و زیست‌محیطی را برای بهبود پیش‌بینی ریسک اعتباری ادغام می‌کند (به همین دلیل اغلب تأثیر مالی دارد)، وام‌های پایدار و رهن برای تقویت پروژه‌ها و سایر وام‌گیرندگان ایجاد می‌شود که بر جنبه‌های اجتماعی، زیست‌محیطی یا پایداری تأثیر مثبتی دارد. با پایداری حساب‌های پس‌انداز و گواهی سپرده، پس‌انداز را می‌توان با وام‌های اجتماعی یا سایر سرمایه‌گذاری‌ها مرتبط کرد. آنها رابط بین افراد و مؤسسه‌های دارای گرایش اجتماعی و مؤسسه‌هایی هستند که برای ایجاد تأثیر اجتماعی به سرمایه نیاز دارند.

پس از مطالعهٔ پیشینه پژوهش، متغیرهای مدنظر استخراج شدند که مجموع آنها در جدول ۲ درج شده است.

---

1. Benedikter

جدول ۲. متغیرهای استخراج‌شده از سوابق پژوهش در حوزه بانکداری اجتماعی

نویسنده	نتیجه
رضایی و همکاران (۱۴۰۰)	هماهنگی بین سطوح مختلف زنجیره ارزش شامل استراتژی، عملیات، محصولات، مشتریان و کانال‌ها، تغییر سازمانی در تمام سطوح زنجیره ارزش و اقدامات ناهماهنگ
مرادی و همکاران (۱۳۹۸)	ناکارآمدی، تأمین سپرده‌های بانکی، عدم توزیع متوازن، تخصیص منابع تسهیلاتی و ساختار اقتصادی کشور
فتحیان و نصیرزاده (۱۳۹۸)	بخش‌بندی مشریان، جمعیت‌شناختی مشتریان، ابعاد نگرشی متفاوت مشتریان و رفتار مالی متفاوت مشتریان و راه‌کارهای متناسب با نیازهای خاص هر گروه از مشتری
رجبی و جعفری طادی (۱۳۹۶)	شکنندگی مالی، توسعه، رشد اقتصادی، آزادسازی مالی، تخصیص کارایی منابع، سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی، ورشکستگی، رشد انفجاری اعتبارها و بنگاه‌داری
سسینارو و همکاران (۲۰۲۱)	رفاه مردم، همراه با نوآوری‌های تکنولوژیکی، سرمایه‌گذاری اخلاقی و توسعه پایدار، مسئولیت اجتماعی شرکتی و شفافیت و ثبات
مارتینز و همکاران (۲۰۲۰)	بخش‌های اولویت‌دار، بخش‌های بدون اولویت، کارایی اجتماعی و مالی، اهداف سودجویانه، ثروت منطقه‌ای، اندازه بانک، شبکه‌های شعب و موقعیت روستایی
کاروس و باتنفلد (۲۰۱۹)	همتایان متعارف، عامل اجتماعی ـ دموگرافیک، رفتاری و روان‌شناختی، مشتریان بانکداری مرسوم، مشتریان بانکداری اجتماعی، سن، تحصیلات ، مکان‌های زندگی، الگوهای خرید و ترجیحات مالی و بازده اجتماعی
حمیدی و ورگینتون (۲۰۱۸)	انحراف از اصول اسلامی، شکست اجتماعی، توسعه اقتصادی، بانک اسلامی اجتماعی، سود، محیط زیست، مردم، شریعت و اخلاق
نوافر (۲۰۱۸)	وضعیت اقتصادی کشورهای در حال توسعه، یکپارچه‌سازی روش‌های بانکداری اجتماعی، تثبیت بانک‌ها، توسعه پایدار و استراتژی
پرز (۲۰۱۷)	شفافیت، ارزیابی اخلاقی و اجتماعی، پروژه‌های سرمایه‌گذاری و دیدگاه سود سه‌گانه، دولت فراگیر و ساختار مشارکتی، انسانی، پایداری و تلاش برای افزایش آگاهی
میتیک و راکیک (۲۰۱۷)	ساختار هزینه شفاف بدون نرخ بهره غارتگرانه و بالا، رویکرد منعطف به مشتریان در خصوص وام‌های غیرجاری، ارائه وام به پروژه‌ها و سازمان‌های مسئول اجتماعی، قرار دادن وام در فهرست سیاه که برای محیط اجتماعی بد در نظر گرفته می‌شود، امتیازدهی اعتباری انعطاف‌پذیر و بوروکراسی کمتر، رعایت قوانین اخلاقی و سیاست نرخ‌های پایین مالیاتی
وبر (۲۰۱۴)	مزایای زیست‌محیطی، پایداری، ارزش‌ها، وفاداری
بندیکتر (۲۰۱۱)	بحران اقتصادی، جهت‌دهی مجدد سیستم مالی، جلوگیری از بحران‌های بیشتر و پایداری
وبر (۲۰۱۰)	نبود تنوع در هیئت‌مدیره، حاکمیت شرکتی غیرشفاف، رقابت، فساد، پول‌شویی گزارش‌دهی بدون اشاره به گزارش اجتماعی و زیست‌محیطی، تخریب مناطق حفاظت‌شده طبیعی، تبعیض در محل کار، نبود سیاست تنوع، نبود اتحادیه‌های آزاد، کار کودکان، تولید قطعات فتوولتائیک، انرژی خورشیدی یا سایر محصولات انرژی تجدیدپذیر و برنامه‌ریزی استارتاپ‌ها برای افزایش سرمایه و برآورده کردن

در جدول ۳، بررسی پیشینه پژوهش در حوزه تضاد منافع بین بانک‌ها و بنگاه‌های تولیدی برای ساخت پایه‌های مدل پژوهش بررسی شده است.

جدول ۳. سوابق پژوهش در حوزه تضاد منافع بین بانک‌ها و بنگاه‌های‌تولیدی

نویسنده	حوزه فعالیت	نتیجه
رحمانی و فلاحی (۱۳۹۶)	کمبود نقدینگی بنگاه‌ها	با روش مروری این نتایج به‌دست آمد: از یک سو، بنگاه‌ها تقاضای تسهیل در دسترسی به تسهیلات بانکی و کاهش هزینه مالی این تسهیلات را دارند. از سوی دیگر، شواهد چند دهه گذشته بیانگر آن است که این سیاست، مُسَکِن کوتاه‌مدت است و قادر نیست مشکل محدودیت نقدینگی بنگاه‌ها از پایه رفع کند. عوامل مهم بروز تنگنای مالی برای عرضه اعتبارات عبارت‌اند از: پایین بودن سهم مانده بدهی بخش غیردولتی از کل دارایی‌های سیستم بانکی، بالا بودن حجم مطالبات غیرجاری و توزیع متمرکز و نامتناسب منابع مالی. همچنین، دلایل اصلی بروز تنگنای مالی برای تقاضای اعتبارات عبارت‌اند از: ساختار سرمایه متکی بر منابع خارج از بنگاه و حجم بالای سرمایه در گردش مورد نیاز بنگاه‌ها.
میدری (۱۳۹۲)	رفع تضاد منافع بخش‌های بانکی و تولیدی	با توجه به مشکلات ریشه‌ای در نظام بانکداری، در این مطالعهٔ تطبیقی، الگوی بانکداری ژاپنی به‌عنوان راه‌حلی برای آشتی بخش مالی با سایر بخش‌های اقتصادی در سه اصل معرفی شد. پیوند مالکیتی و مدیریتی میان نظام بانکی و نظام تولید/ کنترل نظام بانکی و تأمین مالی پروژهای صنعتی توسط نهادهای دولتی
محمودی و شریفی (۱۳۹۲)	عوامل مؤثر در عدم بازپرداخت تسهیلات اعطایی زودبازده	نهادهای مالی به‌عنوان قلب تپنده اقتصاد در دو بازار بزرگ سرمایه و پول فعالیت دارند و با اعطای تسهیلات، باعث جریان پول و سرمایه در جامعه می‌شوند. تسهیلات اعطایی، از زمره دارایی‌های مهم و باارزش بانک محسوب می‌شود و بخش عمده‌ای از درآمد بانک‌ها می‌تواند از طریق اعطای تسهیلات به وقوع بپیوندد، اما گردش پول و سرمایه در جامعه، نهاد مالی را در معرض انواع ریسک‌ها قرار می‌دهد که این ریسک‌ها ممکن است باعث تمایل نداشتن پرداخت وام به بخش پرریسک جامعه شود.
باقری و نجفی (۱۳۸۳)	عوامل مؤثر بر مصرف اعتبارهای بانکی در بخش کشاورزی	عدم بازپرداخت تسهیلات یا بازپرداخت با تأخیر، مانعی برای انجام تعهدهای بانک است. از سویی، گیرندگان تسهیلات در بخش کشاورزی در مقایسه با فعالان و تولیدکنندگان سایر بخش‌ها، همانند صنعت و خدمات، به میزان بیشتری با خطر و نااطمینانی ناشی از عوامل طبیعی و نوسان‌های قیمت فروش محصولات کشاورزی مواجهند، بنابراین، اغلب با مشکل ناتوانی مالی برای بازپرداخت اقساط سررسیدشده روبه‌رو می‌شوند. در صورت وجود هر گونه مشکلی در خصوص بازپرداخت اعتبارها، بانک در پرداخت اعتبار به کشاورزان با مشکل مواجه خواهد شد. بازپرداخت با تأخیر کشاورزان، عملکرد وصول تسهیلات اعطایی و به تبع آن، منابع مالی بانک را کاهش می‌دهد.

ادامهٔ جدول ۳. سوابق پژوهش در حوزه تضاد منافع بین بانک‌ها و بنگاه‌های‌تولیدی

نویسنده	حوزه فعالیت	نتیجه
شریفی، رنجبر و فولادی (۱۳۹۰)	عدم تقارن اطلاعاتی	وام‌گیرنده و وام‌دهنده، از اطلاعات مربوط به ریسک پروژه ارزیابی متفاوتی دارند. از طرفی، در بازار اعتباری اطلاعات نامتقارن وجود دارد. از این رو، مؤسسه‌های وام‌دهنده معمولاً با چنین مشکلاتی مواجهند: تعیین نوع ریسک مربوط به وام‌گیرنده (گزینش نامناسب)، اطمینان از اینکه وام‌گیرنده وام دریافت‌شده را صحیح صرف کند (بی‌صداقتی)، آموزش چگونگی انجام پروژه در مواقعی که وام‌گیرنده ناتوانی خود را در بازپرداخت اعلام کند و دستیابی به روش‌هایی برای بازپرداخت وام توسط افرادی که از پرداخت بدهی خود سرباز زند. از عمده دلایل این موضوع، می‌توان به مسائل فرهنگی، اقتصادی، آموزش، کمبود بانک‌های اطلاعاتی متمرکز، خلأ شبکه تبادل اطلاعاتی قوی و کارآمد، وضع نشدن قوانین و مقررات کافی و مسائل سیاسی اشاره کرد. از این رو، باید تدابیری اندیشیده شود تا هم منابع مالی متقاضیان تأمین شود و هم بانک اصلی‌ترین وظیفه خود یعنی اعطای تسهیلات را با حداقل ریسک ممکن انجام دهد؛ زیرا در شرایط متحول امروز، اساس موفقیت هر بنگاه، تسلط آن بر ریسک‌ها و نوع مدیریتی است که بر انواع ریسک‌ها اعمال می‌کند.
عرب مازار و روئین تن (۱۳۸۵)	تأثیر ریسک اعتباری مشتریان بانکی بر کاهش انگیزه پرداخت وام	کاهش و کنترل ریسک، یکی از عوامل مؤثر بر بهبود فرایند اعطای اعتبار بر عملکرد بانک‌هاست و در تداوم ارائهٔ تسهیلات و بقای بانک و مؤسسه‌های مالی نقش اساسی دارد. آنچه برای بانک اهمیت دارد، این است که قبل از اعطای تسهیلات، احتمال عدم بازپرداخت وام‌گیرندگان را ارزیابی و گروهی را انتخاب کند که از ادای دین آنها در موعد مقرر مطمئن شود. انجام این کار از طریق یک سیستم جامع، ساختار و معیار مناسب امکان پذیر است.
گیستی، مانسینلی، مازانتی و زولی[1] (۲۰۱۷)	موانع مالی و نوآوری در توسعه شرکت‌های تولیدی اتحادیه اروپا	طبق بررسی‌های تجربی این مقاله که با تجزیه‌وتحلیل تجربی بر اساس داده‌ها انجام شد، وجود موانع مالی، یعنی مشکلات دسترسی به منابع خارجی، عاملی بازدارنده جدی برای ظرفیت نوآوری در تولید شرکت‌های کوچک و متوسط تولیدی اتحادیه اروپا است. در واقع، ناپایداری شرکت‌ها و وجود بازارهای رقابتی و همچنین کمبود بستر نهادی معتبر، عدم اطمینان به شرکت‌ها را افزایش داده و ریسک بانک‌ها را برای سرمایه‌گذاری در شرکت‌های کوچک افزایش می‌دهد که سخت‌گیری محدودیت‌های تأمین مالی را تقویت می‌کند.

1. Ghisetti, Mancinelli, Mazzanti & Zoli

بر اساس پیشینه پژوهش، متغیرهای استخراج‌شده در جدول ۴ آمده است.

جدول ٤. متغیرهای استخراج‌شده از سوابق پژوهش در حوزه تضاد منافع بین بانک‌ها و بنگاه‌های تولیدی

نویسنده	متغیرها
رحمانی و فلاحی (۱۳۹۶)	تسهیل در دسترسی به تسهیلات بانکی، هزینه مالی تسهیلات، محدودیت نقدینگی بنگاه‌ها، تنگنای مالی در اقتصاد ایران، سهم مانده بدهی بخش غیردولتی از کل دارایی‌های سیستم بانکی، حجم مطالبات غیرجاری، توزیع متمرکز و نامتناسب منابع مالی و ساختار سرمایه متکی بر منابع خارج از بنگاه و سرمایه در گردش
میدری (۱۳۹۲)	پیوند مالکیتی و مدیریتی میان نظام بانکی و نظام تولید، کنترل نظام بانکی، تأمین مالی پروژه‌های صنعتی توسط نهادهای دولتی، در دسترس بودن خدمات مالی، سهولت دسترسی وام، محدودیت برای ورود و خروج سرمایه‌های بین‌المللی، تأمین مالی از طریق بازار سرمایه، هزینه استفاده از خدمات مالی، حمایت‌های قانونی از حقوق وام‌گیرندگان، خصوصی‌سازی، کنترل تورم، سرمایه‌گذاری بانک‌ها در دارایی‌های تورمی، ریسک‌پذیری بانک‌ها، سودگرایی مردم، مالیت بر سوداگری‌ها، نبود امکان سرمایه‌گذاری خارج از بورس، اعمال محدودیت در خرید سهام و بنگاه‌داری
محمودی و شریفی (۱۳۹۲)	جریان پول و سرمایه، درآمد بانک‌ها، اعطای وام به بخش پرریسک جامعه و توانمندسازی افراد جامعه
شریفی و همکاران (۱۳۹۰)	ارزیابی متفاوت از اطلاعات مربوط به ریسک پروژه، اطلاعات نامتقارن، تعیین نوع ریسک مربوط به وام‌گیرنده، گزینش نامناسب، بی‌صداقتی، مسائل فرهنگی، اقتصادی، آموزش، کمبود بانک‌های اطلاعاتی متمرکز، خلأ شبکه تبادل اطلاعاتی قوی و کارآمد، عدم وضع قوانین و مقررات کافی، مسائل، اعطای تسهیلات را با حداقل ریسک ممکن و شرایط متحول امروز
عرب مازار و روئین تن (۱۳۸۵)	تأثیر فرایند اعطای اعتبار بر عملکرد، تداوم ارائهٔ تسهیلات، بقای بانک و مؤسسه‌ها، احتمال عدم بازپرداخت از سوی وام‌گیرندگان و ادای دین آنها در موعد مقرر
باقری و نجفی (۱۳۸۳)	مطالبات معوق بانکی، ناتوانی بازپرداخت توسط تسهیلات‌گیرنده، ریسک اعتباری مشتری، ریسک نقدینگی بانک، نااطمینانی ناشی از عوامل طبیعی برای پرداخت نکردن اقساط و نوسان‌های قیمت فروش محصولات
گیستی و همکاران (۲۰۱۷)	مشکلات دسترسی به منابع خارجی، برای ظرفیت نوآوری در تولید، ناپایداری شرکت‌ها، وجود بازارهای رقابتی بانکی، کمبود بستر نهادی معتبر، عدم اطمینان به شرکت‌ها، ریسک سرمایه‌گذاری بانک‌ها و محدودیت‌های تأمین مالی

همان‌طور که مشخص است، در حوزه بانکداری اجتماعی تاکنون پژوهش‌های زیادی انجام شده و تقریباً از علل مختلفی که بانک‌ها به بانکداری اجتماعی روی می‌آورند و مأموریت‌هایی که در این حوزه برای خود تعریف می‌کنند، درک خوبی وجود دارد؛ اما در خصوص اینکه بانک‌ها چگونه می‌توانند نقش خود را در کاهش تضاد مالی بین خود و بنگاه‌های تولیدی ایفا کنند، پژوهشی انجام نشده است. از این رو، در پژوهش حاضر نقش بانکداری اجتماعی در کاهش تضاد منافع مالی بین بانک‌ها و بنگاه‌های تولیدی تحلیل و مدل‌سازی شده است.

روش پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، شناسایی متغیرهای مربوط به نقش بانکداری اجتماعی در کاهش تضاد منافع مالی بین بانک و بنگاه‌های تولیدی بوده و پرسش اصلی این است که بانکداری اجتماعی و ابزارهای آن، بر کاهش تضاد موجود چه تأثیری خواهد گذاشت؟

این پژوهش از نظر هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی و از نظر جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز، توصیفی ـ هم‌بستگی است و ترکیبی از داده‌های کمی و کیفی استفاده شده است. همچنین راهبرد اجرای آن مبتنی بر مطالعه یک بانک خصوصی به‌عنوان نمونه در صنعت بانکداری است. اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعات جامع پژوهش‌های گذشته، مصاحبه عمیق با خبرگان کلیدی، نظرسنجی و اسناد آرشیوی جمع‌آوری شد. به‌طور کلی جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات از طریق مطالعه کتابخانه‌ای مبانی نظری و سوابق پژوهش بررسی شد. در بخش میدانی، از رویکرد مصاحبه با خبرگان که در این‌گونه پژوهش‌ها رایج است، استفاده شد. خبرگان این پژوهش شامل مدیران و کارشناسان خدمات بانکی بودند.

در این پژوهش ابتدا فهرستی از نقش بانکداری اجتماعی در کاهش تضاد منافع مالی بین بانک و بنگاه‌های تولیدی تهیه شد. سپس با استفاده از تکنیک دلفی فازی که شامل سه مرحله شناسایی شاخص‌های پژوهش با استفاده از مرور جامع مبانی نظری پژوهش، جمع‌آوری نظرهای متخصصان تصمیم‌گیرنده و تأیید و غربالگری شاخص‌هاست، متغیرهای اصلی تعیین و مدل اولیه ارائه شد. پذیرش یا رد متغیرها از طریق مقایسه مقدار ارزش اکتسابی هر شاخص با مقدار آستانه انجام گرفت. مقدار آستانه از چند طریق محاسبه می‌شود؛ اما به‌طور معمول ۰/۷ در نظر گرفته می‌شود (چن و وانگ[1]، ۲۰۱۰) که در این پژوهش نیز مقدار آستانه ۰/۷ در نظر گرفته شد. در ادامه، برای ارزیابی

1. Chen & Wang

مدل پرسش‌نامه‌ای طراحی شد که مدیران اجرایی بانک قرض‌الحسنه رسالت آن را ارزیابی کردند و برای تحلیل آن از تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. مراحل اجرای پژوهش به شرح زیر است.

مرحله ۱. آماده‌سازی فهرستی از نقش بانکداری اجتماعی در کاهش تضاد منافع مالی بین بانک و بنگاه‌های تولیدی

بانک قرض‌الحسنه رسالت، از دسته بانک‌های اجتماعی ایران است که تسهیلات پرداختی به مشتریان بدون دریافت سود ارائه می‌شود. هدف اصلی سهام‌داران این بانک سودآوری نیست، بلکه گره‌گشایی از مشکلات جامعه و ایجاد و تقویت کسب‌وکارهای خُرد و خانگی در مسیر کارآفرینی اجتماعی است. اعطای تسهیلات در این بانک ارزان و آسان و به‌صورت خُرد است. از این رو، این بانک به‌عنوان نمونه در صنعت بانکداری ایران انتخاب شد.

در این پژوهش، با افراد زیر بر اساس نمونه‌گیری قضاوتی، مصاحبه‌های اکتشافی و نیمه‌ساختاریافته انجام شد:

- گروه اول: خبرگان دانشگاهی در حوزه بانکداری اجتماعی
- گروه دوم: مدیران بانک قرض‌الحسنه رسالت
- گروه سوم: کارشناسان بانک قرض‌الحسنه رسالت

مرحله ۲. طبقه‌بندی و ارزیابی اعتبار مدل پژوهش طراحی‌شده با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی

روش تحلیل عاملی اکتشافی کمک می‌کند تا با توجه به هم‌بستگی درونی میان متغیرها، خوشه‌های مختلفی پدیدار شود که در هر خوشه عناصر قرار می‌گیرد که با یکدیگر هم‌بستگی معنایی دارند. به این ترتیب می‌توان از یک مجموعه بزرگ و پراکنده از متغیرها به خوشه‌های محدود و مشخصی دست پیدا کرد. در این پژوهش به‌دلیل توانایی مطلوب روش تحلیل عاملی اکتشافی در کشف ساختار زیربنایی مجموعه بزرگی از متغیرها، از این روش استفاده کردیم و هر متغیر را در خوشه‌های (طبقه) مناسب قرار دادیم و برای هر یک از آنها عنوان مناسبی برگزیدیم.

در مرحله دوم این پژوهش از رویکرد کمی استفاده شده است. در این مرحله برای تأیید مدل، پرسش‌نامه‌ای طراحی شد. در این پژوهش، پایایی ابزار گردآوری از طریق آلفای کرونباخ محاسبه شد که مقدار آن ۰/۸۷۲ به‌دست آمد. به‌منظور تعیین روایی پرسش‌نامه مراحل زیر انجام شد:

۱. تدوین پرسش‌نامه براساس عوامل استخراجی از مبانی نظری و سوابق (روایی محتوا) به‌صورتی که تمامی عوامل از پژوهش‌های معتبر استخراج شده و با ذکر منبع در جدول ۶ ارائه شدند. این عوامل بر اساس نظرسنجی از خبرگان تأیید و در پرسش‌نامه استفاده شدند.

۲. انجام پیش‌آزمون با گروه محدودی از پاسخ‌دهندگان (۱۴ نفر) برای ارزیابی قابلیت اطمینان

در نهایت ۱۲۰ نفر از مدیران و کارشناسان بانک قرض‌الحسنه رسالت، پرسش‌نامه را مطالعه و تکمیل کردند.

مرحلهٔ ۳. توسعه چارچوب مفهومی (مدل پژوهش)

با شناسایی نقش بانکداری اجتماعی در کاهش تضاد منافع مالی بین بانک و بنگاه‌های تولیدی، ۳۱ متغیر بر اساس مبانی نظری پژوهش و پژوهش‌های گذشته استخراج شد. سپس، شاخص‌ها با نظر ۱۵ نفر از خبرگان غربال شدند و در نهایت، ۲۵ متغیر به شرح جدول ۶ به دست آمد. غربالگری عوامل به این صورت بود که متغیرهایی که با شرایط ایران سازگاری داشتند و در یک کلمه تجمیع می‌شدند، یکسان‌سازی و برخی متغیرها نیز با توجه به ادبیات ایران باز تعریف شدند. حال لازم است تا با استفاده از تکنیک دلفی فازی و به‌منظور اطمینان‌سازی از شناسایی دقیق متغیرهای پرسش‌نامه محقق‌ساخته تهیه و در اختیار ۱۴ خبره گذاشته شود تا به اجماع در خصوص آنها دست یابیم. برای طراحی پرسش‌نامه محقق‌ساخته از طیف نه‌گانه مطابق زیر استفاده شد (جدول ۵).

جدول ۵. متغیرهای زبانی

متغیرهای زبانی	عدد فازی	عدد مثلثی فازی
بسیار بی‌اهمیت	۱	(۰, ۰/۱, ۰/۱)
بین خیلی بی‌اهمیت و بسیار بی‌اهمیت	۲	(۰/۱, ۰/۲, ۰/۳)
خیلی بی‌اهمیت	۳	(۰/۲, ۰/۳, ۰/۴)
بین خیلی بی‌اهمیت و نسبتاً مهم	۴	(۰/۳, ۰/۴, ۰/۵)
متوسط مهم	۵	(۰/۴, ۰/۵, ۰/۶)
بین متوسط و بسیار مهم	۶	(۰/۵, ۰/۶, ۰/۷)
خیلی مهم	۷	(۰/۶, ۰/۷, ۰/۸)
بین خیلی و بسیار مهم	۸	(۰/۷, ۰/۸, ۰/۹)
بسیار با اهمیت	۹	(۰/۸, ۰/۹, ۰/۹)

منبع: آذر و فرجی (۱۳۸۱)

پس از طی مراحل محاسباتی مختص تکنیک دلفی، در ادامه مراحل محاسبه و اعدادی که میانگین مقدار فازی‌زدایی‌شده آنها کمتر از ۰/۷ باشد آن عامل رد شده و اگر ۰/۷ و بالاتر باشد، آن عامل پذیرفته می‌شود، زیرا حد آستانه در اغلب پژوهش‌ها اصولاً مقدار ۰/۷ در نظر گرفته می‌شود (جدول ۶).

جدول ٦. نهایی شدن نقش بانکداری اجتماعی در کاهش تضاد منافع مالی بین بانک‌ها و بنگاه‌های‌تولیدی

عوامل	میانگین فازی	میانگین دی‌فازی شده	پذیرش/رد
افزایش اعتماد به نظام بانکداری	(۰/۷۵۵۵, ۰/۸۵۵۵, ۰/۸۸۸)	۰/۸۲۶	پذیرش
بهبود شفافیت مالی در بانک	(۰/۷۲۲۲, ۰/۸۲۲۲, ۰/۸۸۸)	۰/۸۱۱۱	پذیرش
تأمین مالی پروژه‌های کارآفرینانه	(۰/۷۵۵۵, ۰/۸۵۵۵, ۰/۸۸۸)	۰/۸۳۳	پذیرش
ارائه راه‌کارهای متناسب با نیازهای خاص مشتریان	(۰/۷۵۵۵, ۰/۸۵۵۵, ۰/۸۸۸)	۰/۸۳۳	پذیرش
امتیازدهی اعتباری انعطاف‌پذیر	(۰/۷۳۳۳, ۰/۸۴۳۳, ۰/۸۷۶۷)	۰/۸۲۱	پذیرش
مزایای زیست‌محیطی	(۰/۷۲۲۲, ۰/۸۲۲۲, ۰/۸۸۸)	۰/۸۰	پذیرش
تسهیل در دسترسی همه افراد به تسهیلات بانکی	(۰/۷۳۳۳, ۰/۸۳۳۳, ۰/۸۷۷۷)	۰/۸۰	پذیرش
کاهش حجم مطالبات غیرجاری برای تسهیلات خُرد	(۰/۷۵۵۵, ۰/۸۵۵۵, ۰/۸۸۸)	۰/۸۳۳	پذیرش
جلوگیری از توزیع متمرکز و نامتناسب منابع مالی	(۰/۷۳۳۳, ۰/۸۳۳۳, ۰/۸۷۷۷)	۰/۸۱۴	پذیرش
ادای دین مشتریان در موعد مقرر	(۰/۷۴۴۴, ۰/۸۴۴۴, ۰/۸۸۸)	۰/۸۲۵	پذیرش
کاهش ریسک نقدینگی	(۰/۶۹, ۰/۷۹, ۰/۸۴)	۰/۷۷	پذیرش
گردش پول و سرمایه در جامعه	(۰/۷۵۵۵, ۰/۸۵۵۵, ۰/۸۸۸)	۰/۸۳۳	پذیرش
توانمندسازی افراد جامعه	(۰/۷۵۵۵, ۰/۸۵۵۵, ۰/۸۸۸)	۰/۸۳۳	پذیرش
وفاداری مشتریان	(۰/۷۲۲۲, ۰/۸۲۲۲, ۰/۸۸۸)	۰/۸۱۱۱	پذیرش
خروج بانک‌ها از بنگاه‌داری و هدایت منابع به‌سمت تولید	(۰/۷۵۵۵, ۰/۸۵۵۵, ۰/۸۸۸)	۰/۸۳۳	پذیرش
هماهنگی و همکاری بین سطوح مختلف زنجیره ارزش	(۰/۷۵۵۵, ۰/۸۵۵۵, ۰/۸۸۸)	۰/۸۳۳	پذیرش
کاهش فساد مالی و پول‌شویی	(۰/۷۳۳۳, ۰/۸۳۳۳, ۰/۸۸۸)	۰/۸۱۸	پذیرش
تقویت نظام بانکداری	(۰/۷۲۲۲, ۰/۸۲۲۲, ۰/۸۷۷۷)	۰/۸۰۷	پذیرش
توسعه اقتصادی	(۰/۶۹, ۰/۷۹, ۰/۸۴)	۰/۷۷	پذیرش
افزایش سرمایه‌گذاری	(۰/۷۴۴۴, ۰/۸۴۴۴, ۰/۹)	۰/۸۲۹	پذیرش

ادامهٔ جدول ٦. نهایی شدن نقش بانکداری اجتماعی در کاهش تضاد منافع مالی بین بانک‌ها و بنگاه‌های‌تولیدی

عوامل	میانگین فازی	میانگین دی‌فازی شده	پذیرش/رد
سودآوری	(۰/۷۳۳۳, ۰/۸۴۳۳, ۰/۸۷۶۷)	۰/۸۲۱	پذیرش
اشتغال‌زایی	(۰/۷۳۳۳, ۰/۸۴۳۳, ۰/۸۷۶۷)	۰/۸۲۱	پذیرش
کاهش فقر	(۰/۷۵۵۵, ۰/۸۵۵۵, ۰/۸۸۸)	۰/۸۳۳	پذیرش
ارزش‌آفرینی پایدار	(۰/۷۳۳۳, ۰/۸۳۳۳, ۰/۸۷۷۷)	۰/۸۱۴	پذیرش
تخصیص بهینه منابع	(۰/۷۵۵۵, ۰/۸۵۵۵, ۰/۸۸۸)	۰/۸۳۳	پذیرش
افزایش نفوذ خدمات بانکی	(۰/۵۸۸۸, ۰/۶۸۸۸, ۰/۷۴۴۴)	۰/۶۷	عدم پذیرش
اعطای وام به بخش پرریسک جامعه	(۰/۵۸۸۸۸, ۰/۶۸۸۸۸, ۰/۷۷۷۷)	۰/۶۸۸۸	عدم پذیرش
سرمایه‌گذاری‌های باثبات با اصلاح روش وام‌دهی	(۰/۷۵۵۵, ۰/۸۵۵۵, ۰/۸۸۸)	۰/۶۳۳	عدم پذیرش
کاهش ریسک اعتباری بانک‌ها	(۰/۷۳۳۳, ۰/۸۳۳۳, ۰/۸۷۷۷)	۰/۶۱۴	عدم پذیرش
توسعه خدمات مالی	(۰/۷۳۳۳, ۰/۸۳۳۳, ۰/۸۷۷۷)	۰/۶۱۴	عدم پذیرش
بهبود برند سازمانی	(۰/۵۸۸۸, ۰/۶۸۸۸, ۰/۷۴۴۴)	۰/۶۷	عدم پذیرش

بر اساس یافته‌های جدول بالا، ۲۵ متغیر به‌عنوان نقش بانکداری اجتماعی در کاهش تضاد منافع مالی بین بانک‌ها و بنگاه‌های تولیدی حاصل شد.

توسعه مدل

بر مبنای نظر خبرگان، لازم است درون متغیرها دسته‌بندی کلی‌ای ایجاد شود. برای این منظور و با بهره‌گیری از تحلیل عاملی اکتشافی، پژوهشگر به هدف مورد انتظار خود دست پیدا کرد. تحلیل عاملی، یکی از فنون پیشرفته آماری چندمتغیره است. از این روش برای اهداف مشخصی همچون مدل‌سازی، فرضیه‌سازی، اعتبارسازی مقیاس‌ها و تشخیص خُرده مقیاس‌ها استفاده می‌شود. همچنین می‌توان از آن برای اجرای سایر روش‌های پیشرفته آماری همچون مدل‌یابی معادلات ساختاری بهره برد. سازوکار تحلیل عاملی، اکتشاف ساختار مجموعه‌ای از متغیرها و کاهش و دسته‌بندی آنها به متغیرهای اساسی‌تر با نام «عامل» است. در پژوهش حاضر از تحلیل عاملی اکتشافی، به‌منظور گروه‌بندی کردن متغیرهایی که هم‌بستگی درونی دارند، استفاده شده است.

در ادامه، با استفاده از چرخش واریماکس نتایج دسته‌بندی انجام‌شده از ۲۷ متغیر شناسایی‌شده در مرحله دلفی فازی به‌صورت جدول ۷ خواهد بود.

جدول ۷. دسته‌بندی عوامل مرتبط با نقش بانکداری اجتماعی در کاهش تضاد منافع مالی بین بانک‌ها و بنگاه‌های تولیدی

عوامل	عامل A	عامل B	عامل C
افزایش اعتماد به نظام بانکداری		۰/۴۳۳	
بهبود شفافیت مالی در بانک		۰/۲۹۷	
تأمین مالی پروژه‌های کارآفرینانه			۰/۶۴۲
ارائه راه‌کارهای متناسب با نیازهای خاص مشتریان	۰/۲۲۰		
امتیازدهی اعتباری انعطاف‌پذیر		۰/۵۸۰	
مزایای زیست‌محیطی	۰/۴۶۵		
تسهیل در دسترسی بنگاه ها به تسهیلات بانکی			۰/۲۱۸
کاهش حجم مطالبات غیرجاری برای تسهیلات خُرد		۰/۵۲۱	
جلوگیری از توزیع متمرکز و نامتناسب منابع مالی	۰/۴۱۴		
ادای دین مشتریان در موعد مقرر	۰/۱۷۰		
کاهش ریسک نقدینگی		۰/۲۱۸	
گردش پول و سرمایه در جامعه	۰/۵۱۲		
توانمندسازی افراد جامعه	۰/۳۱۸		
رضایت و وفاداری مشتریان	۰/۵۴۴		
خروج بانک‌ها از بنگاه‌داری و هدایت منابع به‌سمت تولید			۰/۳۱۸
هماهنگی و همکاری بین سطوح مختلف زنجیره ارزش			۰/۲۲۱
کاهش فساد مالی و پول‌شویی		۰/۶۳۶	
تقویت نظام بانکداری		۰/۳۲۵	
توسعه اقتصادی	۰/۲۲۳		
افزایش سرمایه‌گذاری در بنگاه‌ها			۰/۲۹۶
سودآوری بانک‌ها		۰/۴۷۵	
اشتغال‌زایی	۰/۳۵۱		
کاهش فقر	۰/۴۴۶		
ارزش‌آفرینی پایدار			۰/۵۱۴
تخصیص بهینه منابع		۰/۳۱۴	

از خروجی نرم‌افزار مشخص است که این ۲۵ متغیر می‌توانند در سه دسته با ۶۷/۲۸۰ درصد تغییرات (واریانس استخراج‌شده از عامل‌ها که حاصل خروجی نمودار سنگ ریزه[1] است) تبیین شوند.

نمودار سنگ‌ریزه یکی از روش‌های مرسوم گرافیکی برای انتخاب تعداد مناسب عامل‌ها از روی مقادیر ویژه است. نتایج آزمون سنگ‌ریزه در قالب نمودار نمایش داده شده است. در این نمودار، عامل‌ها یا مؤلفه‌ها در محور افقی و مقادیر ویژه در محور عمودی قرار دارد (شکل ۳).

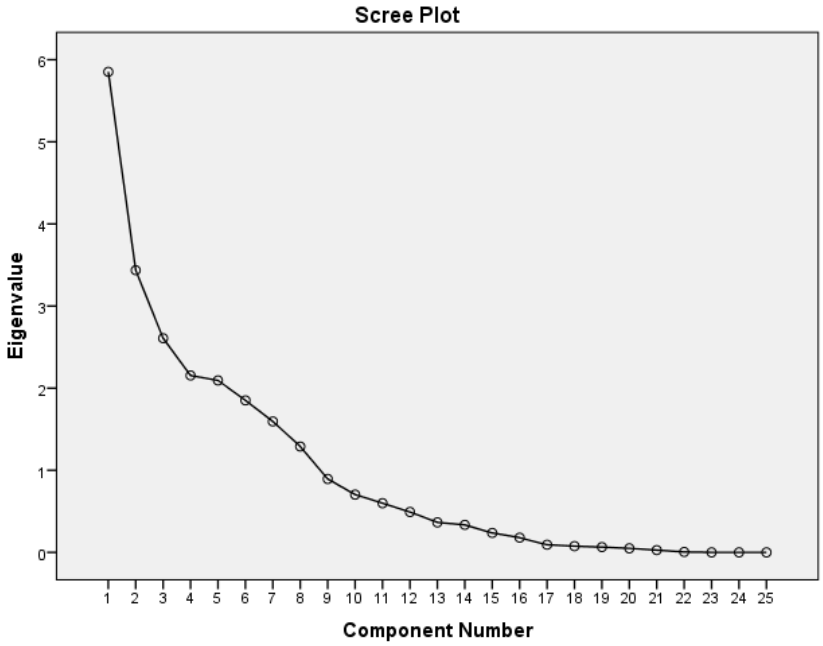

شکل ۳ . نمودار سنگ‌ریزه

در ادامه، لازم است بر اساس مبانی و مفاهیم موجود و اجزای تشکیل‌شده در هر دسته روی دسته‌ها نام‌گذاری شود. بنابراین پس از مشورت با سه تن از خبرگان بانکی که در دو حوزه پژوهشی و اجرایی بانک فعالیت داشتند، این دسته‌بندی به‌صورت زیر انجام شد (جدول ۸).

1. Scree plot

جدول ۸. دسته‌بندی و نام‌گذاری عوامل

عامل	علائم لاتین	نام‌گذاری	تعداد زیرعامل‌ها
۱	A	منافع بلندمدت مشتریان	۱۰
۲	B	منافع مالی بانک‌ها	۹
۳	C	منافع مالی بنگاه‌های تولیدی	۶
مجموع عوامل			۲۵

همان‌طور که در جدول مشخص است، کلیه متغیرهایی که در رابطه با نقش بانکداری اجتماعی در کاهش تضاد منافع مالی بین بانک‌ها و بنگاه‌های تولیدی شناسایی شدند، در سه دسته تأمین منافع مالی مشتریان، تأمین منافع مالی بانک‌ها و تأمین منافع مالی بنگاه‌های تولیدی قرار گرفتند. به بیان دیگر، مزایای حاصل از توسعه بانکداری اجتماعی در ایران، به تمامی ارکان و بخش‌های جامعه؛ یعنی بانک، بنگاه‌های تولیدی و به‌واسطه بهبود فضای کسب‌وکار جامعه، در درازمدت به تمامی مشتریان بانک بازخواهد گشت.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بانک‌ها به‌عنوان یکی از سازمان‌های خدمات مالی بزرگ و اثرگذار، در کمک به توسعه اقتصادی کشورها نقش مهمی دارند و به‌دلیل گستره فعالیت‌های تأمین مالی و سرمایه‌گذاری خود، می‌توانند در راستای مسئولیت‌پذیری اجتماعی گام‌های بزرگی بردارند. بدین منظور، می‌توانند با کاهش تضاد مالی بین خود و بنگاه‌های تولیدی، در ایجاد زمینه‌های رشد تولید و اشتغال موجبات بهبود شرایط رفاهی و اقتصادی جامعه را فراهم آورند. در صورتی که بانک‌ها برای کاهش تضاد منافع بین خود و بنگاه‌های تولیدی، به‌سمت بانکداری اجتماعی و ایفای تعهدهای اجتماعی حرکت کنند، به‌طور طبیعی به استقبال تحول در مدل کسب‌وکار خود خواهند رفت. از این رو، برای موفقیت در توسعه و تغییر مدل کسب‌وکار خود باید عوامل کارکردهای بانکداری اجتماعی در کاهش تضاد منافع مالی بین بانک‌ها و بنگاه‌های تولیدی را به‌درستی بشناسند و در راستای آن گام بردارند. در پژوهش‌های پیشین به تبیین ماهیت و ویژگی‌های بانکداری اجتماعی پرداخته شده است؛ اما در خصوص کارکرد بانکداری اجتماعی در کاهش تضاد منافع مالی بین بانک‌ها و بنگاه‌های تولیدی که یکی از دلایل اصلی وجود نابسامانی و کمبود نقدینگی در تولید است، پژوهشی انجام نشده است. در همین راستا در پژوهش

حاضر، متغیرهای اصلی در رابطه با نقش بانکداری اجتماعی در کاهش تضاد منافع مالی بین بانک و بنگاه‌های تولیدی شناسایی و مدل اولیه ارائه شد و برای ارزیابی مدل، یک پرسش‌نامه طراحی شده که مدیران اجرایی بانک قرض‌الحسنه رسالت آن را ارزیابی کردند.

با بهره‌گیری از تحلیل عاملی اکتشافی، متغیرهای اصلی می‌توانند در سه دسته با ۶۷/۲۸۰ درصد تغییرات تبیین شوند. مقدار به‌دست‌آمده، خروجی نمودار سنگ‌ریزه است. این نمودار برای دسترسی به مؤلفه‌ها یا عامل‌هایی که بیشترین تنوع در داده‌ها را دارند، استفاده شده است. بر اساس نتایج، میزان تغییرات بالای ۵۰ درصد و قابل تبیین است. در ادامه، با سه تن از خبرگان بانکی مشورت شد و این سه دسته با عناوین منافع مالی بانک، منافع مالی بنگاه‌های تولیدی و منافع بلندمدت مشتریان نام‌گذاری شد.

بر اساس یافته‌های پژوهش، با حرکت بانک قرض‌الحسنه رسالت به‌سمت بانکداری اجتماعی و ایفای مسئولیت‌های اجتماعی، تضاد منافع مالی بین بانک و بنگاه‌های تولیدی از طرق تأمین بانک و بنگاه‌های تولید و مشتریان، کاهش خواهد یافت. زیرا با توسعه بانکداری اجتماعی، بانک از تمایل به بنگاه‌داری و سرمایه‌گذاری در بخش غیرمولد اقتصاد، فاصله گرفته و منابع عظیم بانکی به‌سمت تولید و حمایت از کسب‌وکارهای خُرد افزایش خواهد یافت. این موضوع به اشتغال‌زایی، کاهش فقر و ارزش‌آفرینی پایدار کمک کرده و به‌دنبال آن با رونق تولید، سرمایه‌گذاری در بنگاه‌ها افزایش یافته و همچنین با توسعه اعتماد به نظام بانکی به‌واسطهٔ ایفای تعهدها و مسئولیت‌های اجتماعی، بانک از لحاظ منابع و سرمایه‌گذاری مردم تقویت می‌شود. از طرفی، با توزیع عادلانه و متناسب تسهیلات بانکی و با بهبود فضای کسب‌وکار در درازمدت، منافع مشتریان بانک نیز تأمین می‌شود و این موضوع در کنار تقویت بنیه مالی بنگاه‌های تولیدی، حجم مطالبات غیرجاری تسهیلات را کاهش خواهد داد و به این طریق بانک، بنگاه‌ها و مردم از مزایای توسعه بانکداری اجتماعی بهره خواهند برد.

پژوهش حاضر دارای ضعف‌ها و محدودیت‌هایی است که کیفیت نتایج و پیشنهادها را کاهش می‌دهد، از جمله شبیه‌سازی نشدن مدل پس از مدل‌سازی با تحلیل عامل اکتشافی و بسنده کردن به شناسایی و مدل‌سازی متغیرها. از این رو، پیشنهاد می‌شود در پژوهشی دیگر، به‌طور اختصاصی به شبیه‌سازی مدل پژوهش با استفاده از روش‌هایی مانند رویکرد پویایی سیستم‌ها پرداخته شود. از طرفی، متغیرها و عوامل مؤثر دیگری نیز می‌توانست در مدل ارائه‌شده جایابی شود که به‌دلیل پیچیدگی و نبود اطلاعات دقیق، به سازه‌های موجود در مدل ارائه‌شده اکتفا شد. از این رو، نیاز است

که در پژوهش‌های بعدی سایر متغیرهای مؤثر در سایر بانک‌ها نیز شناسایی شده و آثار آنها بر کاهش تضاد منافع مالی بین بانک‌ها و بنگاه‌های تولیدی سنجیده شود.

منابع و مآخذ

الف. فارسی

آذر، عادل و فرجی، حجت (۱۳۸۱). ***علم مدیریت فازی مرکز مطالعات بهره‌وری ایران***. تهران: انتشارات اجتماع.

آرانی، شاهین و حیدری، سیدعلی (۱۳۹۴). سازوکار بانکداری صنایع خرد، کوچک و متوسط و الگوبرداری آن در ایران. ***بیست و پنجمین همایش سالانه سیاست های پولی و ارزی***.

باقری، مهرداد و بهاالدین نجفی (۱۳۸۳). بررسی عوامل مؤثر بر بازپرداخت اعتبارات کشاورزی (مطالعه موردی: استان فارس). ***فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران***، ۶ (۱۹)، ۹۷- ۱۱۵.

رجبی، مصطفی و جعفری طادی، مریم (۱۳۹۶). تحلیل تأثیر توسعه مالی و شکنندگی مالی بر رشد اقتصادی، (مطالعه موردی: کشورهای منتخب شرق و غرب آسیا). ***فصلنامه اقتصاد مالی***، ۱۱(۴۰)، ۵۳-۶۶.

رحمانی، تیمور و فلاحی، سامان (۱۳۹۶). شناسایی عوامل بروز کمبود نقدینگی بنگاه‌ها در اقتصاد ایران. ***فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی***، ۵(۲۰)، ۷- ۳۲.

رضایی، داود؛ اقدسی، محمد و سعیدی، فرشاد (۱۴۰۰). شناسایی انواع رویکردهای بانکداری اجتماعی و تحلیل اثرات آنها بر بانک‌ها. ***پژوهش‌های مدیریت در ایران***، ۲۵(۱)، ۲۶ – ۴۹.

شریفی رنانی، حسین، رنجبر، همایون و فولادی، ابراهیم (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر در عدم بازپرداخت تسهیلات کشاورزی (مطالعه موردی: بانک کشاورزی استان اصفهان)، ***اقتصاد کشاورزی و توسعه***، ۱۹(۲)، ۷۷-۱۰۰.

طاهرپور، جواد؛ محمدی، تیمور و فردی، رضا (۱۳۹۷). نقش توزیع تسهیلات اعطایی بانک‌ها در رشد اقتصادی ایران. ***پژوهشنامه اقتصادی***، ۱۸(۶۹)، ۱۳۳- ۱۶۲.

عرب‌مازار، عباس و روئین‌تن، پونه (۱۳۸۵). عوامل مؤثر بر ریسک اعتباری مشتریان بانکی (مطالعه موردی: بانک کشاورزی). ***فصلنامه جستارهای اقتصادی***، ۳(۶)، ۴۵- ۸۰.

فتحیان، محمد و نصیرزاده، الناز (۱۳۹۸). بخش‌بندی مشتریان بانکی براساس عوامل نگرشی و رفتار مالی به‌منظور ارتقای تعامل بانک با مشتریان، ***مدیریت نوآوری در سازمان‌های دفاعی***، ۲(۲)، ۲۹- ۵۶.

محمودی، نادر و شریفی، حسین (۱۳۹۲). بررسی علل و عوامل مؤثردر عدم بازپرداخت تسهیلات اعطایی زودبازده در شعب بانک ملی شهرکرد. ***اولین همایش الکترونیکی ملی چشم‌انداز اقتصاد ایران***، ۲۸ آذرماه.

مرادی، داود؛ شیخی، محمدتقی؛ خادمیان، طلیعه (۱۳۹۸). بررسی تأثیر تحقق مدل بانکداری توسعه اجتماعی بر رشد و توسعه اقتصادی کشور با تأکید بر شبکه بانکی. ***مطالعات توسعه اجتماعی ایران***، ۱۱(۲)، ۱۲۱-۱۴۲.

میدری احمد (۱۳۹۲). رفع تضاد منافع بخش‌های بانکی و تولیدی در الگوهای مختلف بانکداری. ***مجله مجلس و راهبرد***، ۲۰(۷۵)، ۵۳- ۷۸.

ب. انگلیسی

Benedikter, R. (2011). Social banking and social finance. ***In Social banking and social finance*** (pp. 1-128).

Bortis, H. (2009). From Neo-liberal Capitalism to Social Liberalism on the basis of Classical-Keynesian Political Economy, ***Paper Presented at an Evening Conference Organised by the World Bank and Other Institutions,*** World Bank Headquarters, Washington.

Chen, M. K., & Wang, S. C. (2010). The use of a hybrid fuzzy-Delphi-AHP approach to develop global business intelligence for information service firms. ***Expert Systems with Applications***, 37(11), 7394-7407.

Crotty, J. (2008). Structural Flaws in Deregulated Financial Markets Caused the Current Crisis: A Critical Evaluation of the New Financial Architecture. ***Cambridge Journal of Economics,*** 33(4), 563–580.

Ghisetti, C., Mancinelli, S., Mazzanti, M., & Zoli, M. (2017). Financial barriers and environmental innovations: evidence from EU manufacturing firms. ***Climate Policy,*** 17(1), S131-S147.

Hamidi, M. L., & Worthington, A. C. (2018). Islamic social banking: The way forward perbankan sosial Islam: Langkah kehadapan. ***Jurnal Ekonomi Malaysia***, 52(1), 195-207.

Krause, K., & Battenfeld, D. (2019). Coming out of the niche? Social banking in Germany: An empirical analysis of consumer characteristics and market size**.** ***Journal of Business Ethics***, 155(3), 889-891.

Martínez-Campillo, A., Wijesiri, M., & Wanke, P. (2020). Evaluating the double bottom-line of social banking in an emerging country: How efficient are public banks in supporting priority and non-priority sectors in India? ***Journal of business ethics,*** 162(2), 399-420.

Mitić, P., & Rakić, S. (2017). Social finance and social banking: a path towards a more sustainable future. ***Review of applied socio-economic research***, 108-119.

Nwafor, M. C. (2018). Impact of social banking on bank performance in Nigeria. ***International Journal of Research and Development***, 3(11).

Pérez, M. E. S. (2017). SEBI index: Measuring the commitment to the principles of social banking. ***Contaduría y Administración***, 62(4), 1393-1407.

Secinaro, S., Calandra, D., Petricean, D., & Chmet, F. (2021). Social Finance and Banking Research as a Driver for Sustainable Development: A Bibliometric Analysis. ***Sustainability,*** 13(1), 330.

Smith, J. (2018). Efficiency and ethically responsible management. ***Journal of Business Ethics,*** 150(3), 603–618.

Srinivasan, A., & Thampy, T. (2017). The effect of relationships with government-owned banks on cash flow constraints: Evidence from India. ***Journal of Corporate Finance***, 46, 361–373.

Stein, P., Ardic, O. P., & Hommes, M. (2013). ***Closing the credit gap for formal and informal micro, small, and medium enterprises.*** International Finance Corporation, Washington, DC. ©International Finance Corporation. https://openknowledge.worldbank.org/handle/10986/21728

Thorat, A., Vanneman, R., Desai, S., & Dubey, A. (2017). Escaping and falling into poverty in India today. ***World Development***, 93, 413-426.

Weber, O. (2010). ***Social banking: Products and services***. Available at SSRN 1621822.

Weber, O. (2014). Social banking: Concept, definitions and practice. ***Global Social Policy,*** 14(2), 265-267.

Wehinger, G. (2014). SMEs and the credit crunch: Current financing difficulties, policy measures and a review of literature. ***OECD Journal: Financial Market Trends,*** 2013(2), 115-148.